

## روش عرفانی

ابتناک این مسیر، در گزاره هستی‌شناختی آن متبلور است و آن اینکه خداوند به هر موجودی، آنچه نیاز و شایسته و بایسته‌اش بوده اعطا کرده و آن موجود را برای رسیدن به مقصود از خلقتش، به طور کامل تجهیز نموده است. خداوند انسان را اشرف مخلوقات قرار داد. بودند ملائک و موجودات عقلی‌ای که دائم مسبح حق بودند. ملائک مهیمن بودند که در هیمن الهی بودند و هستند؛ هیمنی که آنان را چنان مات و مبهوت جلوه حق تعالی کرده است که هیچ اتفاقی در هیچ نشئه وجودی‌ای، توجه آنان را از حق تعالی منحرف نمی‌سازد. با این همه در خلقت انسان فرمود: بزرگ و پربرکت است خدایی که بهترین خلق‌کنندگان است: (فتبارک الله أحسن الخالقین) (مؤمنون: ۱۴) و فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید: (إني أعلم ما لا تعلمون) (بقره: ۳۰). همچنین منسوب به حضرت علی (ع) که فرمود:

أَتَزَعُمُ أَنْكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ      وَ فَيْكَ أَنْطَوِي الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ،

گمان می‌کنی که تو جسم کوچکی هستی و حال آنکه عالمی بزرگ در وجود تو نهفته است (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۳).

خداوند سبحان قابلیت ادراک فوق‌طور عقلی را در انسان به ودیعه گذاشت که می‌تواند با گذشتن از ظواهر و اعراض پدیده‌ها به باطن و حتی بواطن و جوهر اشیا دست یابد. آن‌گاه با این استعداد سرشار، اختیار و اراده را هم برای او مقرر فرمود تا به او آنچه نیاز و شایسته و بایسته کمالش بوده اعطا کرده باشد. این انسان، بالقوه مقام لایق‌فی دارد و اگر خوب مسیر ببیماید به ادراکات فوق‌طور عقلی (قلبی) دست می‌یابد که مقام لایق‌فی او را بالفعل می‌سازد. با این بیان می‌توان هماهنگی بین سه گزاره معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی را در این مسیر ملاحظه نمود.

قطعاً مسیر رشد علمی افراد (به غیر از انسان کامل) از طریق علم حصولی می‌گذرد. دریافت علم حصولی، بدون وصل شدن به علم شهودی و علم حضوری (علمی که بدون واسطه تشکیل صورت علمی، از طریق ارتباط مستقیم نفس ناطقه انسان با عقل فعال دریافت می‌شود) ممکن است برای جامعه مفید باشد؛ اما در بخش انسان‌سازی برای فرد آن‌چنان بردی ندارد (صمدی آملی، ۱۳۷۷، ج ۳، ۴، ۵ و ۷). امام خمینی؛ از مصداق‌های «العلم حجاب الاکبر» را علم حصولی می‌دانند، چنانچه با بسط علم حضوری و علم شهودی همراه نباشد (همان، ج ۷). مبانی روش‌شناسی این مسیر، تناسب میزان طهارت نفس با میزان ادراک واقعیت را مطرح می‌نماید. روش عرفانی با مختصات خاص خود، انسان را به حقایق می‌رساند که مزیت نسبی و وجه ممیزه علوم انسانی اسلامی با علوم متداول است. قطعاً هر دستگاه علم اسلامی‌ای که توانایی دریافت علم به صورت حضوری (و بی‌واسطه) را در انسان انکار نماید، ظرفیت‌های ادراکی بشر و ظرفیت‌های نهفته در علوم انسانی اسلامی را به‌درستی نشناخته است. مفهوم این حرف هم این نیست که همه افراد به یک اندازه موفق به بسط علم حضوری در نفس ناطقه خود خواهند شد و یا از طریق القائات سبوحی، تمثلات بی‌مثال و تمثلات با مثال به دریافت‌های شهودی نائل می‌آیند؛ لیکن مجاز هم نیستیم در روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی فضایی برای این نوع از دریافت‌ها در نظر نگیریم.

خداوند همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته آنها هدایت می‌کند.	هستی‌شناسی
برای کمال، به انسان توانایی‌های ادراکی فوق‌طور عقلی اعطا شده است	انسان‌شناسی
مقام لایق‌فنی انسان از طریق ادراکات فوق‌طور عقلی (قلبی) تضمین می‌شود	معرفت‌شناسی
مبنای علم، ادراکات قلبی (علم حضوری) است	فلسفه علم
تناسب تطهیر نفس و ادراک لایه‌های عمیق‌تر واقعیت	مبانی روش‌شناسی
روش عرفانی	راهبرد روش تحقیق

مولفه های روش‌شناسی عرفانی در علوم انسانی اسلامی

از منظر علم دینی، از طریق علم حصولی (حواس پنج‌گانه و دیگر قوای ادراکی) و همچنین رعایت دستورالعمل‌های دینی، نفس به تدریج قوی می‌شود. تا زمانی که نفس قوی نشده است، علم باید تنزل داده شود تا ما آن را ادراک نماییم. ملائک در اینجا نقش واسطه دارند و زمینه‌ساز انتقال علم از عالم حقیقی و عالم سرمدی به عالم مادی و انسان می‌شوند. آن چنان که در حدیث قرب نوافل فرمود:

... و هیچ‌یک از بندگام به من تقرب نجوید با عملی که نزد من محبوب‌تر باشد ... تا آنجا که من دوستش می‌دارم و چون دوستش دارم، آنگاه گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشمش می‌شوم که با آن می‌بیند و زبانش می‌گردد که با آن سخن می‌گوید و دستش می‌شوم که به آن می‌گیرد. اگر بخواند، اجابتش می‌کنم و اگر خواهشی از من کند، به او می‌دهم (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۲).

نفس‌های مستکفی (عموم افراد) از این مسیر استفاده می‌کنند. لیکن اگر نفس قوی‌تر شد، می‌تواند خودش بالا رود و علم را مستقیماً از حق تعالی بگیرد آن چنان که در حدیث قرب فرائض فرمود: «قال الله عزوجل ما يتقرب الی عبدی بشی احب الی مما افترضته علیه ، و ما زال يتقرب الی عبدی بالفرائض حتی اذا ما احبه و اذا احبته کان سمعی الذی اسمع به ، و بصری الذی ابصر به ، ویدی التی ابطش بها. بنگر تفاوت قربی را که تا چه حد است که در قرب نوافل خداوند سمع و بصر و لسان و دست عبد می‌شود، و در قرب فرائض عبد چشم و گوشت و دست خدا می‌گردد» (حسن زاده آملی، شرح دفتر دل، به نقل از

<http://alame-hasanzade.blogfa.com/post/956>

نفس‌های مکتفی (انبیای الهی) در تمام موارد (بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۵۶، روایت ۱۱۶ و ۱۱۷) و اوحدی از افراد در مواردی و به میزان لیاقتی که کسب می‌نمایند از این مسیر به دانش‌های فاخر دست می‌یابند.